

ملاقات با استاد

ابوالفضل رفیع پور

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان
و مرکز پژوهشی ریاضی ماهانی - مدیر خانه ریاضیات کرمان
Email: drafiepour@gmail.com

سعیدیا مرد نکو نام نمیرد هرگز
مرده آن است که نامش به نکویی نبرند

جلسه خواستند تا راه حلی را برای مشکل کنکور ارایه نمایند. او درخواست خود را این گونه مطرح کرد که «ما همه معلم ریاضی هستیم. مسایل مختلف ریاضی را حل می‌کنیم، پس می‌توانیم مسئله کنکور را حل کنیم تا شاهد اتفاقات غم‌انگیز بیشتری نباشیم». انگار همین چند لحظه پیش بود که پرویز شهریاری این خواسته را مطرح کرده است. چنان از ته قلب این مطلب را گفت که بر دل حضار نشست. نگارنده به عنوان یکی از آرزوهای حرفه‌ای خود، مایل است معضل کنکور به شکل فعلی از نظام آموزشی ایران ریشه‌کن شود. البته لازم به ذکر است که کشورهای مختلف برای انتخاب دانش‌آموزان مستعد و جذب آنها در دانشگاه‌ها، روش‌های کم و بیش متنوعی دارند. ولی کمتر جایی است که از روش کنکور مشابه آنچه که در ایران اتفاق می‌افتد، استفاده نماید. استادشهریاری بارها گفته بود و من به شخصه بارها از ایشان شنیده بودم که «کنکور دارد دانش مملکت ما را نابود می‌کند». درواقع، این اثر موج‌وار کنکور باعث می‌شود در دوره‌های تحصیلی پایین‌تر و حتی در دوره ابتدایی، آموزش‌ها سمت و سوی خاصی داشته باشند و

جمعه ۲۲ اردی‌بهشت ۱۳۹۱ بود که توسط پیامک‌های چند تن از دوستان خود مطلع شدم که استاد پرویز شهریاری به دیار باقی شتافت. در ابتدا، متأسف شدم از اینکه چنین گوهر گرانبهایی از جمع ما رفته است. در همان روز به این فکر افتادم تا در مورد استادشهریاری مطالبی را بنویسم. این مطالب بر اساس تجارب شخصی و مطالبی است که نگارنده از استاد در مقاطع مختلف زمانی آموخته است.

پیش از ملاقات استاد پرویز شهریاری، ایشان را از طریق کتاب‌هایشان می‌شناختم. از جمله کتاب‌های استاد شهریاری، ترجمه کتاب **خلاقیت ریاضی** اثر جورج پولیا، بیشتر از همه مورد توجه من بود.

در دوره کارشناسی ارشد آموزش ریاضی تحصیل می‌کردم که برای شرکت و ارایه سخنرانی در ششمین کنفرانس آموزش ریاضی ایران به شیراز رفتم. در آنجا، استاد شهریاری سخنران مدعو بودند و در مورد کنکور حرف زدند. ایشان با اشاره به یک تجربه تلخ که مربوطه به یک دانش‌آموز ناموفق در کنکور بود، و منجر به خودکشی آن دانش‌آموز شده بود، از همه حضاران در

وزنه نامش از نده ناد
پرویز شهریاری

شماره ۱
پاییز ۹۱

این، یک روش نامطلوب در زمینه یاددهی و یادگیری ریاضی است.



ملاقات بعدی من با استاد شهریاری، در منزل شخصی ایشان، به همراه جمعی از دانشجویان کارشناسی ارشد آموزش ریاضی بود. در این دیدار که دکتر زهرا گویا و دکتر مهرداد شهشهانی نیز حضور داشتند، گروهی از برنامه‌سازان صداوسیما مشغول تهیه فیلم از استاد و کارهای ایشان بودند. در آن زمان، در اثر سکنه مغزی، نیمی از بدن استاد شهریاری کارکرد طبیعی نداشت (فلج بود) و همواره باید به کمک عصا یا کمک دستیارشان راه می‌رفتند. ولی در این وضعیت، با یک عینک و یک ذره‌بین همواره مشغول مطالعه کتاب بودند. به گونه‌ای که در گوشه‌ای از منزل‌شان، یک میز مطالعه کتابخانه‌ای و کتاب‌های متعددی بر روی آن مشاهده می‌شد. واقعاً از این همه همت و پشتکار استاد لذت بردم. انگار هر وقت استاد را می‌دیدم، باید از ایشان مطالبی را به یادگار می‌آموختم. استاد شهریاری می‌گفت که همیشه دوست داشته فرد پولداری شود، و خدا را شکر، شده است، ولی از راه درست به این اهداف رسیده است، یعنی، از راه حق‌التحقیق کتاب‌هایش!



برخورد سوم من با استاد شهریاری در یک برنامه ویژه بزرگداشت پرویز شهریاری در خانه ریاضیات بابل در اردی‌بهشت ۱۳۸۲ بود. در این برنامه، نگارنده به همراه جمعی از دانشجویان دوره کارشناسی ارشد آموزش ریاضی دانشگاه شهید بهشتی، دکتر زهرا گویا را در اجرای یک کارگاه حل مسئله ریاضی که ویژه دبیران ریاضی استان مازندران بود، یاری می‌کرد. در این جلسه، در مورد ویژگی‌های استاد شهریاری این‌گونه صحبت شد که ایشان مسایل ریاضی و مسایل اجتماعی را چنان به زبان ساده بیان می‌کردند که شاگردانشان، وی را به همین خاطر دوست می‌داشتند.

